

## تحلیلی از وضعیت کردهای شیعه فیلی در عراق

مسعود اخوان کاظمی / استادیار دانشگاه رازی / mak392@yahoo.com

پروانه عزیزی / دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه رازی / parvaneh.azizi@yahoo.com

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۸/۲۸ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۰۳/۰۹

### چکیده

کردهای فیلی، گروهی از کردهای شیعه ایرانی‌تبار ساکن عراق هستند. این گروه قومی - مذهبی، در دوران حکومت بعث، به دلیل ایدئولوژی پان‌عربیسم و نفرتی که حکومت وقت عراق از کردها، تشیع و ایرانیان داشت، آنان را آزار، اذیت و شکنجه می‌کرد. اوج آزار و اذیت حکومت بعث در مورد کردهای فیلی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی صورت گرفت. در این دوران، حکومت عراق از آنان سلب تابعیت نمود، اموالشان را مصادره کرد، جوانانشان را به قتل رساند و زنان و سال‌خوردگان آنها را به عنوان معاودین از عراق اخراج نمود. پس از سقوط حکومت بعث و بی‌اعتبار شدن ایدئولوژی پان‌عربیسم و ایجاد حکومت جدید در عراق، برای تمام اقوام، قومیت‌ها و گروه‌های عراقی، امکان حضور در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم شده است. این مقاله، تلاش نموده تا ضمن واکاوی پیشینه تاریخی و هویتی کردهای فیلی، جایگاه و نقش کنونی آنها را در صحنه سیاسی - اجتماعی عراق امروز تحلیل و ارزیابی کند. یافته‌های پژوهش حاضر، نشان می‌دهند که اگرچه کردهای فیلی تلاش می‌کنند تا ضمن بازیابی هویت خود، به عنوان شهروندان این کشور، مانند سایر گروه‌ها و قومیت‌های عراقی در ساختار سیاسی - اجتماعی کشورشان نقش مؤثری را ایفا نمایند، هنوز محرومیت‌های تحمیل‌شده به این گروه در دوران حاکمیت بعثی، به‌طور کامل از بین نرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: کردهای فیلی، شیعه، هویت ایرانی، حکومت بعث، عراق جدید.

## مقدمه

کردهای فیلی عراق، کردهای شیعه ایرانی‌تباری هستند که اساساً و در طول تاریخ، در مناطق غربی ایران مستقر بوده‌اند؛ ولی در سه دورهٔ زمانی متفاوت و بالاجبار، بخش‌هایی از آن‌ها ساکن عراق شده‌اند. دورهٔ اول، مربوط به دوران صفویان است. در این دوره، تمام سرزمین کردستان تحت حاکمیت دولت ایران بود. پس از جنگ چالدران (۱۵۱۴م/۸۹۳ ش) و شکست حکومت صفوی از امپراتوری عثمانی، بر اساس معاهدات صلح، بخشی از خاک ایران و ساکنان آن، ضمیمهٔ سرزمین عثمانی شد. دورهٔ دوم مهاجرت کردهای فیلی به عراق، به سال ۱۲۴۳ شمسی بازمی‌گردد. در این دوره، کردهای فیلی به دلیل ستم والیان پشتکوه، افزایش مالیات، قحطی و خشک‌سالی، فقر و بی‌کاری در ایران از یک سو و اوضاع مساعد اقتصادی در عراق از سوی دیگر، به امید یافتن زندگی بهتر بالاجبار به عراق مهاجرت کردند و ساکن این کشور شدند. دورهٔ سوم مربوط به سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۱۷ شمسی است که در این دوران، رضاشاه علی‌رغم سرکوب کردهای فیلی، هم‌چنان از قدرت و نفوذ آن‌ها بیمناک بود. از این رو، سیاست تحمیل فقر اقتصادی شدیدی را در مورد آنان اجرا کرد تا کردها مجبور شوند برای امرار معاش به عراق کوچ کنند.

کردهای فیلی مهاجر، در تمام مدت سکونت خود در عراق، همواره به حکومت این کشور وفادار بودند و خود را شهروند عراقی محسوب می‌کردند. در نقطهٔ مقابل، حکومت عراق هرگز آن‌ها را به عنوان شهروند خود نپذیرفت و به‌خصوص با روی کارآمدن حزب بعث، وضعیت زندگی برای آنان دشوارتر شد و دولت بعث از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، عرصه را بر آن‌ها تنگ کرد. در مقابل، کردهای فیلی مجبور شدند از مکانیزم‌های دفاعی مختلفی برای محافظت از خود در مقابل حکومت استفاده نمایند. گروهی از آنان برای رهایی از فشارهای حکومت عراق، به شهرها و محله‌های عرب‌نشین کوچ کردند و گروهی نیز با صحبت کردن به زبان عربی، کرد بودن و تشیع خود را پنهان نمودند. علی‌رغم تدابیر موجود از سوی کردهای فیلی، در نهایت آن‌ها قربانی سیاست‌های نژادپرستانهٔ رژیم بعث شدند. با اوج‌گیری اختلافات میان ایران و عراق، حکومت بعث در اقدامی خصمانه و از

پیش برنامه‌ریزی شده، به بهانه ایرانی بودن کردهای فیلی، اموال آنها را مصادره نمود، گروهی از کردهای فیلی را از بین برد و برخی دیگر را راهی زندان کرد و عده‌ای دیگر را پس از سلب تابعیت از عراق اخراج نمود.

پس از سقوط صدام، بسیاری از کردهای فیلی تبعیدشده به عراق بازگشتند تا در ساختار سیاسی پس از حکومت بعث، برای خود جایگاهی به دست آوردند و موقعیت از دست رفته خویش را اعاده نمایند. آنان با توجه به پایمال شدن بسیاری از حقوق اولیه‌شان در زمان حکومت بعثی صدام، خواسته‌هایی را از حکومت جدید عراق مطالبه می‌کنند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: بازگرداندن تابعیت عراقی به کردهای فیلی، بازپس دادن اموال غیرمنقول مصادره‌شده آنها توسط رژیم بعثی و به رسمیت شناختن کشتار دسته‌جمعی کردها توسط رژیم صدام.

در این پژوهش، ضمن مروری بر پیشینه هویتی و تاریخی کردهای فیلی، وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها در دوران حکومت بعث و پس از سرنگونی صدام بررسی گردد. از نظر نویسندگان مقاله، کردهای فیلی پس از حکومت بعث، تا حدودی به مطالبات اجتماعی خود رسیده‌اند، اما به دلایل مختلف و از جمله عدم انسجام، هنوز نتوانسته‌اند هویت خویش را بازیابی نموده، جایگاه واقعی خود را به دست آورند و در ساختار سیاسی - اجتماعی عراق نقش مؤثری را ایفا کنند.

## ۱. کردهای فیلی

### الف. معنای لغوی و اصطلاحی فیلی (Feyli)

واژه «فیلی» در لغت، به معنای انقلاب و تمرد و در اصطلاح به معنای شجاع، فدایی و انقلابی است. (الطریحی، ۱۴۳۴، ص ۲۳) دیدگاه‌های متفاوتی در مورد ریشه واژه فیلی مطرح شده است. به عقیده جورج کرزن، واژه فیلی به معنای «قیام» است (کرزن، ۱۳۶۷، ص ۳۲۹) و از دیدگاه هنری فیلد، فیلی به معنای «یاغی» یا «راهزن» است. (فیلد، ۱۳۴۳، ص ۹۸) برخی از منابع تاریخی نیز این واژه را به معنای ترس، شجاع، فدایی و مبارز به کار برده‌اند. اینزدی

در کتاب خود، واژه فیلی را برگرفته از «پهله» و منتسب به آن می‌داند؛ بدین صورت که چون پارتیان در سرزمین پهله می‌زیستند، لذا در هنگام نسبت دادن آن‌ها به این سرزمین، آن‌ها را «پهلوی» می‌نامیده‌اند (نام سرزمین پارتیان در کتیبه‌های داریوش پرتو آمده است که به زبان پارتی، پهله گفته می‌شود) و از آنجایی که حرف «پ» در زبان عربی وجود ندارد، اعراب این حرف را مانند بسیاری دیگر از کلمات به حرف «ف» تبدیل کرده‌اند و بدین ترتیب، پهله مبدل به فهله و پهلوی به فهلوی تبدیل شده و سپس در گذر زمان، فهلوی به فیلوی و نهایتاً به فیلی مبدل گشته است. (Izadi, 1992)

### ب. تاریخچه کردهای فیلی

به اعتقاد هوگو گروته، ریشه کردهای فیلی و نژاد آنان به عیلامیان قدیم بازمی‌گردد. او در مورد ادعایش چنین می‌نویسد:

هر زمان به سیمای کردان فیلی این دوره نگاه می‌کنم، چهره هیتیان و اقوامی که قبل از هزاران سال می‌زیسته‌اند، در ذهنم تداعی می‌شود.

از دیدگاه وی، ریشه کلمه فیلی از پیلی Peli آمده که نام سلسله یا خاندانی در عیلام قدیم بوده است. (گروته، ۱۳۷۰، ص ۵۵) جورج کامرون نیز معتقد است که امپراتوری پیلی در سال ۲۶۷۰ قبل از میلاد، در شهر شوش وجود داشته است. (کامرون، ۱۳۷۴، ص ۲۴) گروهی دیگر نیز معتقدند، ریشه اصلی فیلی‌ها به مهاجران آریایی بازمی‌گردد که در قبل از میلاد مسیح به فلات ایران وارد شدند. با ورود اسلام به عراق و ایران، فیلی‌ها نیز مسلمان شدند و به‌ویژه پس از روی کار آمدن سلسله صفویه در ایران، به مذهب شیعه گرویدند. برخی نیز معتقدند که واژه فیلی، برگرفته از نام حاکمان لرستان «پیشکوه» و «پشتکوه» است که از سال ۱۰۰۶ قمری به دستور شاه‌عباس صفوی به ولایت لرستان برگزیده شده بودند و حدود سیصد سال یعنی تا اوایل دوره قاجار، بر لرستان پشتکوه (ایلام) و پیشکوه (لرستان) حکومت می‌کردند. در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار، قلمرو والیان فیلی، به

پشتکوه (ایلام) محدود گردید و حکمرانی منطقه پشتکوه (لرستان) به یک شاهزاده قاجار سپرده شد. (مرادی مقدم، ۱۳۸۵، ص ۷۲)

کردهای پشتکوه (ایلام)، از نظر لهجه به دو گروه عمده محکی و کرد تقسیم می‌شوند. (چریکف، ۱۳۷۹، ص ۶۸) قسمت کرد شامل مناطق دهلران، موسیان، مورموری، آبدانان، زرین‌آباد و مناطق جنوبی مهران است و قسمت محکی، مناطق ارکوازی، صالح‌آباد، بدره، ایلام، چوار و مناطق شمالی مهران را دربرمی‌گیرد. (خیتال، ۱۳۶۹، ص ۱۸۲-۱۸۳) طوایف کرد از زمان‌های بسیار قدیم، در پشتکوه ساکن بوده‌اند و از بومیان اصلی آن‌جا به شمار می‌آیند. زبان کردهای پشتکوه از شاخه کردی جنوبی و گویش کلهر یا گورانی است و شیعه اثناعشری هستند.

حکومت طولانی مدت حاکمان لر بر این منطقه، سبب گردیده که بسیاری از مورخان و نویسندگان در آثار خود از ساکنان پشتکوه به عنوان «لر فیلی» نام ببرند. اما برخی از جهان‌گردان و نویسندگانی مانند راولینسون، لایارد، رحیم خرم‌آبادی و رزم‌آرا که از نزدیک با ساکنان منطقه پشتکوه در ارتباط بوده‌اند و یا اطلاعات کافی در این زمینه جمع‌آوری کرده‌اند، از ساکنان پشتکوه با عنوان کرد فیلی نام می‌برند. رزم‌آرا در مورد طوایف پشتکوه می‌نویسد:

بزرگ‌ترین طوایف پشتکوه، کرد می‌باشند. این طوایف اصالتاً با سایر طوایف پشتکوهی از لحاظ اخلاق و عادات فرق زیادی دارا بوده و تصور می‌رود این عده از نقاط دیگر کشور در ازمنه قدیم به این منطقه کوچ داده شده‌اند. (رزم‌آرا، ۱۳۲۰، ص ۹)

حاکمان پشتکوه به دلیل استقلال نسبی از حکومت، دارای ارتشی نیرومند بودند. از این رو، به عنوان سدی در مقابل توسعه‌طلبی امپراتوری عثمانی، در مرزهای ایران نقش اساسی ایفا می‌کردند. (گروته، ۱۳۷۹، ص ۴) اما زمانی که ایران از امپراتوری عثمانی در جنگ چالدران شکست خورد، قسمتی از سرزمین پشتکوه براساس معاهدات صلح از ایران جدا شد و ضمیمه خاک عثمانی گردید. تفاوت آشکار فرهنگی کردهای پشتکوه با

ترک‌های عثمانی، باعث شد تا ترک‌ها با وضع اصطلاح «ترک‌های کوهستان» برای کردهای پشتکوه، کاربرد نام کرد را ممنوع کنند و هم‌چنین سخن گفتن به زبان کردی در امپراتوری عثمانی ممنوع گردید.

در سال ۱۲۴۳ شمسی، بسیاری از ساکنان پشتکوه به دلیل قحطی، افزایش مالیات و بی‌کاری، به عراق مهاجرت کردند و ساکن این کشور شدند. هم‌چنین در فاصله سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۷ شمسی، گروهی دیگر از کردهای پشتکوه، به دلیل ستم والیان پشتکوه، افزایش مالیات، قحطی، خشک‌سالی و بی‌کاری، به عراق مهاجرت کردند. کردهای مهاجر پشتکوه که جذب بازار کار و فعالیت‌های اقتصادی در شهرهای عراق شدند، به تدریج پیشرفت کردند و بر بخش‌های مختلف اقتصادی عراق مسلط شدند. کردهای ساکن عراق، کردهای مهاجر پشتکوه را «کردهای فیلی» می‌نامیدند و علت این نام‌گذاری آن بود که کردهای مهاجر پشتکوه قبل از مهاجرت به عراق زیر سیطره والیان فیلی قرار داشتند.

پس از انقراض امپراتوری عثمانی و در زمان قیمومیت بریتانیا بر عراق و طی سال‌های آغازین حکومت عراق، تعداد زیادی از کردهای فیلی به استخدام ادارات عراق درآمدند. هم‌چنین بسیاری از کردهای مهاجر فیلی که در جست‌وجوی کار به شهرهای مختلف عراق آمده بودند، در بنگاه‌ها و مراکز تجاری بغداد و دیگر شهرهای عراق مشغول به کار شدند. در واقع، بسیاری از کسانی که از پشتکوه به عراق مهاجرت می‌کردند، در بغداد ساکن می‌شدند و محله آن‌ها در این شهر به «محله فیلی» معروف بود. (مرادی‌مقدم، ۱۳۸۵، ص ۹۰)

### ج. وضعیت جغرافیایی و جمعیتی

کردهای فیلی به طوایف مختلفی تقسیم می‌شوند و گستره جغرافیایی وسیعی را در غرب ایران و شمال و شمال شرقی عراق دربرمی‌گیرند. کردهای فیلی‌ها در ایران ساکن شهرهای اسلام‌آباد غرب، گیلانغرب، کرمانشاه، ملکشاهی، ایلام، ایوان، شیروان و چرداول، صالح‌آباد، موسیان، بدره، دهلران، آبدانان، الشتر، کوهدشت، دلفان، اندیمشک و دو طرف

کبیرکوه هستند. کردهای فیلی، شیعه‌مذهب و از ایلات اصیل ایرانی هستند و از دوره صفویه به بعد، در دو سوی مرزهای ایران و عراق قرار گرفتند. در حال حاضر، کردهای فیلی در کوچه مروی تهران، یک مسجد و حسینیه معروف به نام مسجد کردهای فیلی دارند و هر ساله مراسمی به نام یادبود ۲۲ هزار شهید کرد فیلی، در این مسجد برگزار می‌شود. آن‌ها هم‌چنین جدای از این مسجد، دارای مساجد دیگری نیز در تهران هستند. نکته جالب توجه این است که همگی این کردهای فیلی، چه آن‌هایی که در تهران و دیگر شهرهای ایران زندگی می‌کنند و چه آن‌هایی که در عراق ساکن هستند، هنوز هم خود را با هویت کرد فیلی و حتی با عنوان طوایف کرد ساکن منطقه ایلام مانند ارکوازی، خزل، ایل کردعلی، ملکشاهی و بدره‌ای معرفی می‌کنند و با اقوام خود در استان ایلام ارتباط نزدیکی دارند.

کردهای فیلی پشتکوه ایلام به عنوان مردمانی مرزنشین تحت رهبری والیان فیلی، خدمات شایانی در حفظ امنیت و دفاع از مرزهای ایران در برابر تهاجمات عثمانی و اعراب مرزنشین انجام می‌دادند. آن‌ها علاوه بر برقراری امنیت در منطقه خود، حکومت مرکزی را در جنگ‌های مرزی و دفع شورش و ناامنی در دیگر مناطق یاری می‌کردند. به گواه تاریخ، آن‌ها وفادارترین مرزداران برای ایران‌زمین بوده‌اند.

کردهای شیعه‌مذهب عراق که به کردهای فیلی معروف هستند، در مناطق شرقی و شمال شرقی این کشور به‌خصوص در استان دیاله و شهرهای خانقین، مندلی، مقدادیه، بدره، زرباطیه، کوت، جصان، عزیزیه، حی نعمانیه، بعقوبه، علی شرقی، علی غربی، شیخ سعد، کوفه، بصره و عماره سکونت دارند. (کندل و دیگران، ۱۳۷۰، ص ۷۵) تعدادی از آن‌ها نیز به تدریج طی دهه‌های گذشته در شهر بغداد ساکن شده‌اند (به ویژه در محله عقد الاکرد) و بر این اساس، تعدادی از محله‌ها، کوچه‌ها و خیابان‌ها به نام آن‌ها نام‌گذاری شده و تغییر یافته است.

نیمی از کردهای فیلی عراقی ساکن در مناطق شرقی این کشور، ایرانیانی هستند که پس از جنگ چالدران و بر اساس معاهدات میان ایران و عثمانی در دوره صفویه، از ایران جدا و

ضمیمه خاک عثمانی شده‌اند و نیمی دیگر، ساکنان اصلی پشتکوه هستند که در دوران حکومت والیان فیلی، به عراق مهاجرت کرده‌اند. کردهای فیلی ساکن عراق، از دوره حکومت عثمانی تا روی کار آمدن حزب بعث در عراق، ارتباطات فرهنگی و تجاری بسیار گسترده‌ای با ایران داشتند؛ زیرا مانع چندانی برای ارتباط با ایران بر سر راهشان وجود نداشت. با روی کار آمدن حزب بعث در عراق، تنگناها و مصیبت کردهای فیلی شروع شد که کم و بیش تا به امروز نیز ادامه دارد.

در سال‌های اخیر، با تشکیل اقلیم کردستان عراق و حاکمیت آن بر منطقه خانقین، عملاً مناطق کردهای فیلی تجزیه شد و خانقین تحت حاکمیت اقلیم کردستان، و مندلی و بدره و... تحت حاکمیت دولت عراق قرار گرفته است.

آمار معتبری در مورد تعداد جمعیت اکراد فیلی عراق در دست نیست و سرشماری رسمی از آن‌ها به عمل نیامده است. با این حال، تعداد آن‌ها در عراق، بین یک تا دو میلیون نفر برآورد شده است. افزون بر این، طی دهه‌های گذشته، شمار زیادی از کردهای فیلی عراق، برای فرار از ظلم و سرکوب حکومت بعثی، به کشورهای دیگر به ویژه سوئد و استرالیا مهاجرت نموده‌اند.

## ۲. وضعیت کردهای فیلی در دوران حکومت بعث

پس از تشکیل کشور عراق در سال ۱۹۲۰، شیعیان که اکثریت جمعیت این کشور تازه تأسیس را تشکیل می‌دادند، انتظار داشتند که نقش اصلی و مؤثری را در ساختار سیاسی حکومت جدید ایفا کنند؛ اما برخلاف انتظار، آن‌ها به مرور زمان و به صورتی سازمان‌یافته، منزوی و زیر سیطره و سرکوب حکومت اقلیت سنی قرار گرفتند. سرکوب شیعیان عراق با روی کار آمدن حزب بعث، ابعاد گسترده‌تری یافت و این گروه از ساکنان عراق، حداقل آزادی‌هایی را که در حکومت‌های پیشین داشتند نیز از دست دادند.



بدین ترتیب، بیشترین آزار و اذیت حکومت بعث متوجه کردهای فیلی شد. این گروه از اقلیت عراقی، علاوه بر شیعه و کرد بودن، دارای خاستگاه ایرانی نیز بودند. بنابراین، مجموعه عوامل مذکور، یعنی شیعه و کرد بودن و هویت ایرانی داشتن آنان، باعث شد که حکومت بعث از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، بیشترین محرومیت‌ها، محدودیت‌ها و آسیب‌ها را برای این گروه اقلیت قومی فراهم نماید. به همین جهت، کردهای فیلی نیز دوشادوش کردهای سنی و اعراب شیعه عراق، در ردیف معارضین حکومت صدام قرار گرفته بودند و صدمات و تلفات زیادی در این راه متحمل شدند.

در ادامه، وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کردهای فیلی در دوران حکومت بعث بررسی می‌گردد.

### الف. وضعیت سیاسی

جمعیت عراق عمدتاً مرکب از دو قومیت کرد و عرب است. رژیم بعث با تکیه بر ناسیونالیسم عربی، ابزار لازم را برای محروم کردن کردهای عراق از دست‌یابی به مناصب سیاسی در اختیار گرفت. هم‌چنین این حکومت، با تکیه بر مذهب تسنن، موجبات تبعیض میان اهل سنت و سایر گروه‌های مذهبی عراق را فراهم نمود. در این میان، بیشترین تبعیض متوجه کردهای فیلی شد. کردهای فیلی ۱۰٪ کل جمعیت کردهای عراق را تشکیل می‌دهند. (مرادی مقدم، ۱۳۸۵، ص ۹۱) دولت بعثی عراق، این گروه از کردها را به دلیل شیعی بودن، از کردهای شافعی در شمال کشور جدا نمود و بالاجبار در مناطق شرقی عراق به ویژه در استان دیاله، و شهرهای مندلی، مقدادیه و ... اسکان داد. (همان) بعدها بر اثر فشارهای دولت بعث، تعدادی از کردهای فیلی با پنهان نمودن تشیع خود، در بغداد و در محله‌های گوناگون آن شهر مانند رصافه، صدریه، باب‌الشیخ، شورجه و به‌ویژه در محله عقد‌الاکراد ساکن گردیدند و آن‌چنان با عرب‌ها آمیخته شدند که کسی نمی‌توانست آن‌ها را از عرب‌ها تشخیص دهد. (بطاطو، ۱۹۹۰، ص ۵۹)

شاید بتوان سال ۱۹۷۱ را آغاز فجایع رژیم بعث علیه کردهای فیلی نام‌گذاری نمود. در اواخر سپتامبر ۱۹۷۱ و در دوران ریاست جمهوری حسن البکر، دولت عراق حاکمیت مجدد ایران بر جزایر سه‌گانه خلیج فارس را اشغال این جزایر توسط ایران تفسیر نمود. به همین دلیل، در واکنش به این اقدام ایران، حکومت بعث هفتاد هزار نفر از آکراد فیلی را که در استان واسط و دیالی و مناطق دیگر ساکن بودند، با این ادعا که آن‌ها ایرانی تبار هستند از عراق اخراج نمود. (Freedman, 2002, p. 33)

در زمان حکومت صدام، اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم بعث علیه کردهای فیلی به اوج رسید. هنگامی که صدام به قدرت رسید، تمرکز وی بر پاک‌سازی نژادی کردها از فیلی‌ها آغاز شد. در سال ۱۹۸۰ هم‌زمان با شروع جنگ عراق علیه ایران و ترور نافرجام طارق عزیز، وزیر امور خارجه رژیم صدام توسط سمیر نورعلی، از فیلی‌های عضو سازمان عمل اسلامی، صدام دستور اخراج عده زیادی از کردهای فیلی را صادر کرد. او توانست در این زمان به سرعت مصوبه‌ای به نام ۶۶۶ را در سال ۱۹۸۰ به تصویب و امضای اعضای شورای فرماندهی عراق از جمله طارق عزیز و طاها یاسین رمضان برساند.

رئیس‌جمهور عراق بعد از این تصمیم، ایرانی‌های مقیم عراق را که از قبل شناسایی شده بودند و اکثر آن‌ها از کردهای فیلی بودند، در یک اقدام نکوهش‌بار تاریخی و به شکل رقت‌باری از کشور عراق اخراج و رهسپار مرزهای ایران نمود. این کردها به «معاودین» (بازگشت داده‌شدگان) معروف شدند. حکومت تمام اموال و دارایی‌هایشان را مصادره کرد و آنان با دست خالی و پای پیاده در نزدیک مرز ایران رها شدند. در ادامه جنایات رژیم بعث علیه این گروه از کردهای فیلی، حکومت تعدادی از اقوام آن‌ها را به عنوان گروگان در عراق نگاه داشت و تعدادی دیگر را نیز به اتهام همکاری با ایرانی‌ها و جاسوسی برای آن‌ها، قتل‌عام نمود و حدود ۹ تا ۲۰ هزار نفر از جوانان آن‌ها را با این ادعا که اگر آن‌ها را به ایران تبعید و اخراج کند، در کنار سربازان ایران علیه عراق خواهند جنگید، در منطقه معروف به «نگره‌السلیمان» در جنوب عراق زندانی نمود. تعداد زیادی از این گروه از کردها

به دلیل وضعیت نامناسب زندان و شکنجه‌های دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی حزب بعث، جان خود را از دست دادند. (سیف‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۸۰-۱۸۱)

اقدامات ضد حقوق بشر حکومت بعث تنها پس از سرنگونی صدام و با انتشار اسناد و مدارک مربوط به قتل کردهای فیلی و همچنین با اعترافات مقامات سابق عراقی بود که برای افکار عمومی جهان آشکار گردید. هنگامی که رزگار محمد ایمن، قاضی دادگاه صدام، او را به کشتن کردهای فیلی متهم نمود، صدام در پاسخ، کشتار آنان را رد نمود و آن را یک اتهام سیاسی خواند و ادعا کرد سیاست‌مداران عراقی، قاضی دادگاه را تحریک کرده‌اند. (روزنامه ایران، ۱۳۷۵، ص ۵) در حالی که به اعتقاد کردهای فیلی، در مجموع، تعداد ۲۲ هزار نفر از این کردها در زمان حاکمیت صدام قتل‌عام شده‌اند.

### ب. وضعیت اجتماعی

در دوران حاکمیت بعثی‌ها در عراق، گروهی از کردهای فیلی عراق فاقد شناسنامه و گروهی دیگر دارای شناسنامه علامت‌گذاری شده بودند. آن دسته از گروه‌های فیلی که چنین شناسنامه‌هایی داشتند، شهروند درجه دوم محسوب می‌شدند و باید به عنوان یک شهروند خارجی هر چند ماه یک‌بار، مدت اقامت خود را در عراق با حضور در اداره اتباع خارجی وابسته به وزارت کشور، تجدید می‌کردند.

ورود به دانشگاه و تحصیلات عالی برای کردهای فیلی در دوران رژیم بعث دشوار و گاهی ناممکن بود؛ زیرا کردهای فیلی قبل از ورود به دانشگاه، بایست هویت خود را اثبات می‌کردند. آن‌ها برای اثبات هویتشان، می‌بایست اسنادی مربوط به دوران عثمانی را به دانشگاه ارائه می‌دادند که این اسناد، ثابت می‌کرد این کردها، عراقی هستند؛ در غیر این صورت اجازه تحصیل به آن‌ها داده نمی‌شد. تبعیض‌های رژیم بعث علیه گروه‌های فیلی، ابعادی گسترده‌تر از موارد یادشده داشت. این تبعیض‌ها در حوزه‌های مربوط به فرهنگ، مطبوعات، اوقاف و مراسم مذهبی نیز دیده می‌شد. (سیف‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۸۳-۸۴)

محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی که رژیم بعث برای کردهای فیلی ایجاد کرده بود، باعث شد آنان به منظور رهایی از وضع موجود و کاهش این محدودیت‌ها و دست‌یابی به آرامش، هویت واقعی خود را پنهان نمایند. از این‌رو، گروهی از آنان از مناطق کردنشین مهاجرت کردند و در مناطقی که ساکنان عرب داشت، سکونت گزیدند؛ آن‌ها خود را عرب معرفی می‌کردند و حتی تشیع خود را نیز پنهان می‌نمودند. (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۲۷) آزار و اذیت کردهای فیلی در زمان صدام، به حدی رسید، آنان که به زبان کردی گورانی تکلم می‌کردند، تصمیم گرفتند به منظور حفظ امنیت خویش، تکلم به زبان کردی را در میان خود بسیار محدود سازند و بیش‌تر به زبان عربی تکلم کنند. البته بسیاری از آن‌ها، علاوه بر زبان کردی و عربی، به زبان فارسی نیز می‌توانند صحبت کنند و این موضوع، به دلیل مرادواتی است که آنان با ایران داشتند؛ زیرا تا قبل از حکومت بعث می‌توانستند به ایران رفت‌وآمد کنند و حتی بسیاری از آن‌ها اقوام و خویشانی در ایران داشتند. (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۷۴۴)

### ج. وضعیت اقتصادی

شغل اصلی اکثر فیلی‌های ساکن در مناطق مرزی بین ایران و عراق، کشاورزی و دام‌پروری است. منابع آبیاری آن‌ها از اروندرود و رودخانه‌های دیاله و دجله تأمین می‌شود. برخی مناطق مورد سکونت آن‌ها دارای منابع زیرزمینی باارزشی مانند نفت و گاز است. (منابع نفتی در منطقه نفت‌خانه در عراق و نفت‌شهر و دهلران در ایران، و منابع گاز در تنگ بیجار ایران) علاوه بر سایر عواملی که ذکر گردید، وضعیت مناسب اقتصادی، تجاری و توسعه کشاورزی عراق نیز یکی از عوامل جذب کردهای فیلی پشتکوه برای مهاجرت به عراق بوده است.

آب و هوای مناطق مورد سکونت فیلی‌ها گرم و خشک است و به‌ویژه در تابستان گرمای بیش‌تری دارد. با وجود این، کوه‌های این مناطق غالباً پوشیده از برف هستند که در تابستان ذوب شده و برای آبیاری کشاورزی استفاده می‌شوند. در طی ماه‌های گرم تابستان،

بسیاری از دامداران فیلی به مناطق کوهستانی و مرتفع کوچ می‌کنند تا بتوانند به چراگاه‌های مناسب برای تغذیه دام‌های خود دست یابند.

پس از تشکیل رژیم اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی، به دلیل مهاجرت یهودیان عراق به اسرائیل، زمینه برای کسب و کار و تجارت کردهای فیلی در عراق مساعدتر شد و همچنین به دلیل سیاست‌های پان‌عرب‌یسم حکومت بعث که مانعی برای حضور آنان در عرصه سیاسی محسوب می‌شد، بخش عمده فعالیت کردهای فیلی صرف امور اقتصادی و تجاری شد؛ به همین دلیل، کردهای فیلی از نقش و تأثیر زیادی در عرصه‌های اقتصادی و تجاری در عراق، و به‌ویژه در بغداد (اکثر تاجران و مغازه‌داران بازار شوره بغداد از کردهای فیلی بودند) برخوردار شدند. این جایگاه اقتصادی و موقعیت مناسب مالی آن‌ها، باعث گردید تا بعدها صدام به مصادره اموال و دارایی‌های فیلی‌ها اقدام کند و با این ادعا که آن‌ها ریشه عراقی ندارند، آن‌ها را به ایران روانه نماید. (سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰)

در هر حال، صرف نظر از رفتارهای سرکوب‌گرانه رژیم بعث و فشارهای سیاسی آن بر کردهای فیلی، از لحاظ اجتماعی باید گفت که این کردها با تلاش‌ها و موفقیت‌های اقتصادی خود توانسته بودند از لحاظ اجتماعی در جامعه عراق جذب شوند و با ارتباطات مناسبی که با مردم و جامعه عراق برقرار کرده بودند، نزد آن‌ها به عنوان شهروندانی متعهد و قابل اعتماد شناخته می‌شدند.

### ۳. وضعیت کردهای فیلی پس از حکومت بعث

سقوط حکومت بعث برای بسیاری از مردم عراق به معنای پایان انزوا و سرکوب اقوام، مذاهب و گروه‌های مختلف عراقی بود. این رویداد بزرگ، می‌بایست از این پس، زمینه حضور و مشارکت آن‌ها را در صحنه سیاسی کشورشان فراهم می‌نمود. کردهای فیلی نیز مانند سایر گروه‌های عراقی، امیدوار بوده‌اند که بتوانند از فضای سیاسی موجود استفاده کنند

و ضمن احقاق حقوق از دست رفته‌شان، نقش مؤثری را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورشان ایفا نمایند.

در ادامه، موقعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کردهای فیلی در دوران پس از حکومت بعث بررسی می‌گردد.

### الف. وضعیت سیاسی

با سقوط رژیم بعث، انحصار قدرت سیاسی اعراب سنی در عراق پایان یافت. این امر، به معنای ایجاد یک فرصت طلایی برای تمام گروه‌های سیاسی موجود در عراق تلقی شده است. سقوط حکومت بعث، فضای باز سیاسی را برای مشارکت همه‌جانبه گروه‌های مختلف در ساختار قدرت فراهم نمود. به‌طور خاص، سقوط حکومت بعث به معنای پایان آوارگی و نسل‌کشی کردها و شیعیان عراق بوده است.

در این میان، کردهای فیلی نیز مانند سایر گروه‌های قومی و مذهبی، خواهان کسب موقعیت سیاسی در عراق جدید هستند. آن‌ها در دوران حکومت بعث، با سایر کردهای سنی علیه رژیم بعث متحد شدند و با آن مبارزه کردند. به همین دلیل، پس از اعلام خودمختاری کردستان از دولت مرکزی صدام، عده‌ای از کردهای فیلی به مناصب و مقامات عالی‌رتبه حکومتی و نظامی در دولت اقلیم کردستان رسیدند؛ از جمله ملاحظه‌کننده‌ها حزب «اتحاد دموکرات کردستان» و عماد احمد نماینده ملامصطفی بارزانی در بغداد و معاون «اتحاد میهنی کردستان». (عظیمی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۸۵) به همین دلیل، پس از اشغال عراق و تشکیل حکومت اقلیم کردستان، کردهای فیلی توانستند در عرصه‌های مدیریتی و نظامی (نیروهای پیشمرگه) اقلیم کردستان به فعالیت پردازند. (وصالی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۴) از جمله این افراد می‌توان به عادل مراد، عضو دفتر سیاسی اتحادیه جلیل فیلی و حیدر شیخ علی اشاره کرد.

کردهای فیلی در دوران جدید، با محدودیت‌هایی نیز مواجه شده‌اند که اعتراض و نگرانی آن‌ها را موجب شده است. از جمله محدودیت‌های ایجادشده برای آن‌ها، می‌توان

به تقسیم سرزمینشان اشاره نمود. بر اساس تقسیمات جدید در عراق، خانقین تحت حاکمیت اقلیم کردستان قرار گرفته و مندلی، بدره و سایر مناطق کردنشین فیلی تحت حاکمیت دولت عراق باقی مانده‌اند؛ در حالی که کردهای فیلی از عملکرد حاکمان اقلیم کردستان در خانقین ناراضی هستند؛ آن‌ها معتقدند که به عنوان شهروند برای اقلیم کردستان، فاقد اهمیت و ارزش هستند و برای حاکمان اقلیم کردستان و تنها سرزمینشان و نه ساکنان خانقین دارای اهمیت است.

رابطه کردهای فیلی با رهبران کرد عراق در دوره‌های مختلف فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. در انتخابات ۲۰۰۵، رهبران کرد انتظار داشتند که کردهای شیعه به آن‌ها رأی دهند، اما گرایش عمده کردهای فیلی به سمت ائتلاف یک‌پارچه شیعیان بود و در نهایت چهار نفر از کردهای شیعه فیلی به پارلمان راه یافتند. کردهای فیلی با حزب «اتحاد اسلامی کردهای فیلی» و سازمان «کردهای فیلی آزاده»، در انتخابات شرکت نمودند و سپس حزب «اتحاد اسلامی کردهای فیلی» به ائتلاف یک‌پارچه عراق پیوست (همان، ص ۱۸۴) و سازمان «کردهای فیلی آزاده» با حزب «عدالت و آینده» ائتلاف نمود. با وجود این، هیچ یک از این دو تشکل نتوانستند آراء لازم را برای ورود به مجمع ملی به دست آورند. پس از انتخابات، سازمان‌های متعلق به کردهای فیلی در صدد تشکیل ائتلاف برآمدند تا وزن سیاسی خود را بالا ببرند. اعضای این ائتلاف عبارتند از: سازمان مرکزی کردهای فیلی آزاده، اتحادیه اسلامی کردهای فیلی عراق، حزب کردهای فیلی عراق، جنبش مسلمانان کردهای فیلی، انجمن زنان فیلی، تجمع عشایر کرد فیلی و ... (همان، ص ۱۸۱)

کردهای فیلی در انتخابات سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴، همراه با حزب اتحاد اسلامی، در ائتلاف با گروه‌هایی مانند حزب دمکرات، اتحادیه میهنی، حزب تغییر (گوران)، و جماعت اسلامی، پنج جریان کردی هستند که در این انتخابات شرکت کردند. در انتخابات ۲۰۱۰ حزب اتحاد اسلامی به رهبری محمد فرج، موفق شد چهار کرسی را به دست آورد. در حال حاضر، «تجمع اسلامی اکراد فیلی»، فعال‌ترین مجمع اکراد فیلی در صحنه سیاسی عراق به

شمار می‌آید. این گروه در سال ۱۳۶۸ و در حسینیه کردهای فیلی در تهران شروع به فعالیت نمود. ابوالاحمد مهندس، دکتر ابوهدی و استاد ابوداود، از جمله اعضای شورای مرکزی آن بودند. از دیگر احزاب وابسته به این جریان، می‌توان به «جنبش اسلامی کردهای فیلی» به رهبری جلیل فیلی و «اتحادیه کردهای فیلی» اشاره نمود. هم‌چنین باید به تشکیل «کنگره ملی عموم کردهای فیلی» (المؤتمر الوطني العام للکرد الفیلین) نیز اشاره کرد که به پیشنهاد و تلاش محمدمسعود نعمانی و از ترکیب بیست سازمان، گروه و حزب شکل گرفته و توانسته است به‌عنوان یک تشکل فعال فرهنگی در محافل کردهای فیلی مطرح شود و در بلدروز (در استان دیالی)، و در کوت (در استان واسط) و بغداد، مراکزی فرهنگی و ورزشی ایجاد نماید. این کنگره برنامه‌های مختلف فرهنگی مانند تشکیل کلاس‌های آموزش قرآن و کامپیوتر و تدریس زبان و لهجه فیلی، و برگزاری میزگردها و مراسم جشن نوروز و میلاد حضرت زهرا علیها السلام و تولد امام خمینی را با حضور علاقه‌مندان زیادی برگزار می‌کند. این تشکل دارای یک شبکه تلویزیونی به نام «الاشراق» نیز در بغداد است که حدود ۳۰٪ از برنامه‌های خود را به‌گوش کردی فیلی پخش می‌کند.

با این حال، باید اذعان نمود که از لحاظ سیاسی، کردهای فیلی تحت حاکمیت دولت عراق، با وجود داشتن چند حزب غیرمتحد، از تاثیرگذاری چندانی برخوردار نیستند و عملاً در حاشیه قرار دارند و هنوز نتوانسته‌اند جایگاهی مؤثر را در تحولات عراق به دست آورند؛ بنابراین برخی گروه‌های کرد فیلی به تدریج این ایده را مطرح نموده‌اند که واقعیات موجود عراق، نشان می‌دهند که کردهای فیلی نه تحت حاکمیت اقلیم کردستان و نه در تحت حاکمیت بغداد، به حق و حقوق خود نمی‌رسند و لذا تنها راه دستیابی آنان به حقوق خود را تا قبل از استقلال اقلیم کردستان از عراق و از دست رفتن خانقین، تشکیل اقلیمی خودمختار متشکل از کردهای شیعه فیلی در مناطق خانقین، بدره، مندلی و ... در تحت حاکمیت کشور فدرال عراق می‌دانند که البته چندان مورد توجه قرار نگرفته و جدی تلقی نشده که بیشتر به رؤیایی دست‌نیافتنی شبیه است؛ زیرا مشکلاتی اساسی بر سر راه



تحقق آن قرار دارد؛ از یک سو دولت عراق و اقلیم کردستان بر سر کرد یا عرب بودن منطقه خانقین مناقشه دارند و از سوی دیگر، علی‌رغم ادعای کردهای فیلی، دولت بغداد، مناطق بدره و مندلی را کرد تلقی نمی‌کند.

درباره وقایع اخیر در عراق و حاکمیت داعش بر برخی مناطق این کشور، باید خاطر نشان نمود که کردهای فیلی نیز ضمن اعلام وفاداری به دولت عراق، فعالانه در مبارزه مردمی با نیروهای داعش وارد شدند و با تشکیل تیپ «لواء الکرد الفیلی» تحت امر «جبهه ملی کردهای فیلی»، و در قالب «حشد الشعبی»، حدود پنج هزار نفر را برای مقابله با تروریسم داعش و آزادسازی مناطق اشغالی، بسیج و سازمان‌دهی نمودند. این اقدام، باعث شد سران داعش با صدور فتاوی متعده‌ای علیه آکراد شیعه فیلی، و به‌خصوص علیه قبیله زرکوش، آن‌ها را مرتد و واجب‌القتل معرفی نمایند. قبیله زرکوش، بزرگ‌ترین قبیله کرد شیعی در منطقه حوض حمزین در پنجاه کیلومتری شمال شرقی بعقوبه در استان دیاله عراق است که در سال‌های اخیر بارها مورد هدف گروه‌های مختلف تروریستی قرار گرفته است. در بیست و دوم اوت ۲۰۱۴ در حمله‌ای انتحاری به مسجد مصعب بن عمیر در روستای زرکوش در شرق بعقوبه بیش از سی نفر از اتباع قبیله زرکوش کشته شدند. (سایت ریزان، ۳ اردیبهشت ۱۳۹۴)

### ب. وضعیت اجتماعی و فرهنگی

سقوط حکومت بعث، مزایا و محدودیت‌هایی را از لحاظ اجتماعی و فرهنگی برای کردهای فیلی فراهم نمود. از جمله مزایایی که از این ره‌گذر برای کردهای فیلی فراهم گردید، پذیرفته شدن مجدد آن‌ها در جامعه عراق بود. در دوران حکومت بعث، بسیاری از کردهای فیلی فاقد شناسنامه بودند و شهروند درجه دوم محسوب می‌گشتند و تعدادی دیگر نیز به بهانه ایرانی بودن، پس از سلب تابعیت و مالکیت توسط حکومت بعث از کشور اخراج می‌شدند. از این رو، سقوط حکومت بعث، فرصتی را برای آنان فراهم نمود تا به

دنبال بازیابی هویت و جایگاهشان در عراق جدید باشند. سرانجام با موافقت کمیسیون حقوق بشر مجلس نمایندگان عراق، قرار شده است پس از هشتاد سال، برچسب تابعیت خارجی از روی کردهای فیلی برداشته شود و با صدور شناسنامه اصلی، آن‌ها به عنوان شهروند عراقی به رسمیت شناخته شوند.

بدین ترتیب، پس از سقوط حکومت بعث، کردهای فیلی تلاش گسترده‌ای را برای احیای جایگاه و اعاده حقوق سیاسی - اجتماعی خود به عمل آوردند. بر اساس پی‌گیری‌های آنان، سرانجام در سال ۲۰۱۰، دادگاه عالی جنایی عراق، اقدامات طارق عزیز و علی حسن المجید از سران رژیم بعثی در مورد کردهای فیلی، نظیر کشتار دسته جمعی، کوچ اجباری کردها در دهه هشتاد میلادی، لغو تابعیت، مصادره اموال منقول و غیرمنقول کردهای فیلی و استفاده از آن‌ها در آزمایشگاه‌های سلاح شیمیایی و هم‌چنین استفاده از آن‌ها به عنوان سپر انسانی در زمان جنگ ایران و عراق را محکوم و این اقدامات را مصداق بارز نسل‌کشی (Genocide) اعلام نمود. هم‌چنین کردهای فیلی پس از سقوط حکومت بعث، از طریق رسانه‌های مکتوب و یا تصویری، به شکل گسترده‌ای توانسته‌اند به روایت رنج‌ها و محرومیت‌های خود و نیز به بیان آشکار پیوندهای تاریخی و فرهنگی خویش با دنیای پیرامون و به ویژه ایران پردازند.

با این حال، کردهای فیلی هنوز با چالش‌های عمده‌ای برای احیای هویت گروهی خود و دستیابی به حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی‌شان روبه‌رو هستند؛ از جمله محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی. بر اساس تقسیمات کشوری جدید، نوعی جدایی سرزمینی در مناطق مورد سکونت فیلی‌ها ایجاد شده و شهرهای بدره و مندلی، جزء سرزمین‌های دولت فعلی عراق و منطقه خانقین جزء اقلیم کردستان عراق محسوب شده است؛ در حالی که به ادعای فیلی‌ها، حکومت اقلیم کردستان توجه چندانی به ساکنان خانقین ندارد و کردهای فیلی در معادلات سیاسی اقلیم کردستان جایگاه چندانی ندارند و به گونه‌ای شهروند یا کرد درجه دوم محسوب می‌شوند. با زرمه‌های چند وقت اخیر مقامات کردستان عراق مبنی بر

استقلال اقلیم کردستان از عراق و تشکیل کشور مستقل کردی، نه تنها آینده کردهای شیعه خانقین در ابهام قرار می‌گیرد، بلکه عملاً مناطق فیلی‌نشین تجزیه می‌شوند و خانقین از دیگر مناطق مسکونی آن‌ها جدا می‌شود که این امر به ضرر کردهای فیلی است.

سیاست‌مداران اقلیم کردستان با نگرش دولت - ملت به کردستان عراق نگرسته و با رسمی کردن زبان کردی سورانی، گویش گورانی یا کلهر را که زبان کردهای فیلی خانقین است، نادیده گرفته‌اند. از این‌رو، امکان آموزش گویش کلهری (کردی فیلی) در سطح مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آکادمیک وجود ندارد. هم‌چنین در مدارس خانقین، به جای تدریس به زبان کلهری (کردی جنوبی یا کردی ایلامی)، زبان سورانی (زبان کردهای شمال) تدریس می‌شود که به دلیل تفاوت لهجه سورانی با لهجه کلهر، مشکلات فراوانی را برای کودکان فیلی و خانواده‌هایشان ایجاد نموده است. علاوه بر این، رادیو خانقین که در زمان صدام به زبان کردی کلهری برنامه‌هایش را پخش می‌کرد، اکنون تمام برنامه‌های خود را به کردی سورانی پخش می‌کند.

کردهای فیلی از حکومت اقلیم کردستان، انتظار دارند که به آن‌ها اجازه دهد در خانقین مرکزی را راه‌اندازی کنند تا بتوانند فرهنگ و فولکلور خود را گردآوری کنند و چارچوب زبانی و فرهنگی خود را به صورتی آکادمیک حفظ و ترویج نمایند؛ زیرا خانقین فاقد دانشگاه و یا مرکز پژوهش علمی و آکادمیک است و این امکان برای پژوهش‌گران و دانشجویان کرد فیلی و اهل فرهنگ و ادب آن وجود ندارد که در یک محیط علمی در مورد گویش و فرهنگ خود تحقیق کنند.

هم‌چنین با این‌که حکومت اقلیم کردستان نزدیک به سی شبکه داخلی و ماهواره‌ای دارد، در هیچ‌کدام از آن‌ها حتی روزی دو ساعت برنامه به گویش فیلی اختصاص داده نشده است. این امر، باعث شده تا کردهای فیلی عراق، آگاهی چندانی از فرهنگ و پیشینه تاریخی خود نداشته باشند و از آن‌جا که کار جدی هم برای جبران این معضل صورت نگرفته است، به ناچار کردهای فیلی اقلیم کردستان عراق، به زبان سورانی تمایل نشان

می‌دهند؛ در حالی که کردهای فیلی که تحت حاکمیت دولت عراق هستند نیز عملاً ناچار به کاربرد زبان عربی می‌شوند. با این حال، باید به اقدامات شبکه تلویزیونی اشراق در خصوص تلاش برای ترویج زبان و فرهنگ کردهای شیعه فیلی عراق اشاره نمود که در حد امکانات خود در این حوزه فعال است.

در پایان این پژوهش، به نظر می‌رسد که با توجه به قرابت‌های فرهنگی، جغرافیایی و مذهبی کردهای شیعه فیلی عراق با ایران، جمهوری اسلامی باید نسبت به ترسیم و تنظیم برنامه‌های فرهنگی هدف‌مندی در ارتباط با آنها پرداخته، از لحاظ سیاسی و در راستای حقوق این گروه ستم‌دیده ایرانی‌الاصل، به حمایت از آنها در فضای سیاسی عراق جدید اقدام نماید؛ زیرا کردهای فیلی، ضمن دارا بودن سمپاتی قوی با ایران، نماد فرهنگ و تمدن ایرانی و از جمله پیروان و مبلغان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام محسوب می‌شوند.<sup>۱</sup>

آن‌ها علاوه بر بغداد و شهرهای عتبات عالیات، در اربیل، سلیمانیه، خانقین، مندلی و ... تنها نمایندگان شیعی در انجام دادن آداب و رسوم مذهبی چون اعیاد و سوگواری‌ها هستند و با تلاش و همت خود، مراکز فرهنگی - مذهبی و حسینیه‌های معتبر بنا کرده‌اند و در مناسبت‌های مرتبط، مراسم باشکوهی برگزار می‌کنند.

۱. برای مثال، شیخ محمد سعید نعمانی، رئیس «کنگره ملی کردهای فیلی عراق» که در عین حال عضو هیأت رئیسه مجمع عمومی «مجمع تقریب مذاهب» نیز می‌باشد، در همایش بین‌المللی «خلیج فارس، ظرفیت‌ها و چالش‌های پیش‌روی» در اردیبهشت ۱۳۹۵ در جزیره قشم، اظهار داشت: «تلاش برای تغییر نام خلیج فارس، اقدامی بیهوده و ناشی از جهل سران برخی کشورهای حاشیه این منطقه است و در این ارتباط، برخی کشورها بازیچه کشورهای استکباری شده‌اند و انگلیس و رسانه‌هایی مانند بی‌بی‌سی، آتش‌بار این معرکه هستند. عنوان کردن مسائل غیرواقعی، نشان از جهل سران برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس دارد و از این ره‌گذر کشورهای استعماری، مسلمانان را چپاول می‌کنند. این در حالی است که کشورهای اسلامی باید با وحدت رویه، به دنبال استفاده از ظرفیت‌های این منطقه راهبردی جهان باشند. در این بین، برخی کشورهای استکباری نیز با حضور نظامی در منطقه، ایران حامی دموکراسی، صلح و ثبات را دشمن مسلمانان جلوه می‌دهند». (فارس نیوز - ۹۵/۲/۹)

## نتیجه

در این مقاله، ضمن بررسی تاریخچه کردهای فیلی، نشان داده شد که اگرچه اکثریت کردهای عراق را پیروان مذهب تسنن تشکیل می‌دهند، کردهای فیلی، کردهای شیعه ایرانی تباری هستند که در سه برهه زمانی متفاوت (دوران امپراتوری عثمانی، سال ۱۲۴۳ و سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۱۷) بالاجبار به عراق مهاجرت کردند. کردهای فیلی در عراق، از لحاظ اقتصادی از وضعیت مطلوبی برخوردار بودند اما هیچ حکومتی حقوق سیاسی - اجتماعی آنها را به رسمیت نشناخت.

ایدئولوژی پان‌عرب‌بسم حکومت بعث همراه با نفرت حاکمان این رژیم از شیعیان و ایرانیان، وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کردهای فیلی در عراق را با بحران جدی مواجه نمود؛ به گونه‌ای که آنان در دوران حکومت بعث و به ویژه در دوران صدام به شدت آزار و اذیت شدند؛ به خصوص در زمان‌هایی که اختلافات میان ایران و عراق شدت می‌یافت، بلافاصله حکومت بعث، خشم خود را متوجه کردهای فیلی می‌نمود و اقدامات تلافی‌جویانه‌ای علیه آنها انجام می‌داد و تاوان سختی از آنها می‌گرفت. حکومت بعث در دو برهه زمانی ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰ اقدام به مصادره اموال، سلب تابعیت، قتل جوانان فیلی و اخراج آنها از عراق نمود.

با سقوط رژیم بعثی و ایجاد فضای باز سیاسی در عراق، کردهای فیلی نیز مانند سایر گروه‌های عراقی، امیدوار بودند که از حقوق کامل شهروندی برخوردار شوند و حقوق از دست رفته آنها در جامعه عراق اعاده گردد و نقش مؤثری را از لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در حکومت جدید ایفا نمایند. هر چند امروزه آنها به عنوان شهروند عراقی پذیرفته شده‌اند، از لحاظ سیاسی در عراق جدید و بر اساس تقسیمات جدید کشوری، بخشی از سرزمین کردهای فیلی (خانقین) تحت حاکمیت اقلیم کردستان است و بخش دیگر (بدره و مندلی)، در حاکمیت دولت عراق باقی مانده است. وجه اشتراک کردهای فیلی با حاکمان اقلیم کردستان در کرد بودن و وجه اشتراک آنها با دولت عراق در شیعه بودنشان

است. با وجود این، کردهای فیلی هنوز نتوانسته‌اند جایگاه واقعی خود را در جامعه عراق پیدا کنند و از پتانسیل‌های کردی و شیعی خود در عراق استفاده نموده، به مطالبات سیاسی - اجتماعی خود برسند. بدین ترتیب، آن‌ها هنوز هم با چالش‌های عمده‌ای برای احیای هویت گروهی خود و دستیابی به حقوق سیاسی و اجتماعی‌شان در عراق پس‌اصدام روبه‌رو هستند.

## فهرست منابع

۱. الطریحی، محمد سعید، الشیعة الاکراد- الکرورد الفیلیة، دمشق: انتشارات نینوا، ۱۴۳۴.
۲. بطاطو، حنا، العراق، ترجمه عقیف الرزاز، بیروت، ۱۹۹۰.
۳. جعفریان، رسول، تشیع در عراق، مرجعیت و ایران، تهران: مؤسسه مطالعاتی تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۶.
۴. جعفریان، رسول، اطلس شیعه، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷.
۵. چریکف، سیاحت‌نامه، ترجمه آبکار مسیحی، به کوشش علی اصغر عمران، چ ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹.
۶. خیتال، جعفر، مجموعه آراء در مورد ساکنان پشتکوه ایلام، کتابخانه اسماعیلی، ۱۳۶۹.
۷. رزم‌آرا، حاجعلی، جغرافیایی نظامی ایران (پشتکوه)، بی‌جا، ۱۳۲۰.
۸. روزنامه ایران، ج ۳، ش ۵۰۴، تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۷۵.
۹. سلطانی‌نژاد، احمد و امیراحمد حاج‌یوسفی، چشم‌اندازهای منطقه‌ای و بین‌المللی عراق پس از صدام، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۶.
۱۰. سیف‌زاده، سیدحسین، عراق، ساختارها و فرآیند‌گرایش‌های سیاسی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۱. عظیمی، کیومرث و محمدعلی چلونگر، «پراکندگی فرق و مذاهب تشیع در کردستان عراق»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز ۹۱.
۱۲. فیلد، هنری، مردم‌شناسی ایران، ترجمه عبدالله فریار، تهران: کتابخانه ابن‌سینا، ۱۳۴۳.
۱۳. کامرون، جورج، ایران در سپیده‌دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
۱۴. کرزن، جورج، ایران و قضیه ایران، ج ۲، ترجمه غلامعلی و حیدر مازندرانی، چ ۳، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
۱۵. کندال، عصمت، شریف وانلی و مصطفی نازدار، کردها، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: روزبهان، ۱۳۷۰.
۱۶. گروته، هوگو، سفرنامه گروته، ترجمه مجید جلیلود رضایی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۰.
۱۷. مرادی مقدم، مراد، «تاریخ سیاسی و اجتماعی پشتکوه در دوران والیان فیلی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتم، شماره ۱، ۱۳۸۵.

۱۸. مرادی مقدم، مراد، تاریخ سیاسی اجتماعی کردهای فیلی در عصر والیان پشتکوه (ایلام)، تهران: پرسمان، ۱۳۸۶.

۱۹. وصالی، یوسف، «جایگاه کردهای فیلی در نظام سیاسی و اجتماعی عراق»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال نهم، شماره ۳۳ و ۳۴، شهریور ۱۳۸۷.

20. Freedman, Robert, **the Middle East Enters the Twenty-first Century**, Florida, 2002.

21. Izadi, M.R., **the Kurds: A Concise Handbook**, London, Taylor & Francis, 1992.

<http://reazan.com/fa/news/4487>.

<http://www.farsnews.com>.



## تحليل لوضع الاكراد الفيليين الشيعة في العراق

د. مسعود اخوان كاظمی / پروانه عزيزی

### المخالصة

الاکرد الفیلون هم مجموعة من الاكراد الشيعة من اصول ايرانية سكنوا العراق وخلال حكومة البعث في العراق تعرضت هذه المجموعة القومية المذهبية للاضطهاد والاذية والتعذيب بسبب الايديولوجية القومية العربية لتلك الحكومة وكرهيتها للاكراد وللشيعة والاييرانيين، وقد بلغت قمتها في سبعينيات وثمانيات القرن الميلادي السابق، حيث قامت تلك الحكومة باسقاط الجنسية عنهم وصادرت ممتلكاتهم وقتلت شبابهم وطردت النساء والشيوخ من العراق كمرحلين. بعد سقوط حكومة حزب البعث ورفض أيديولوجية القومية العربية وإنشاء حكومة جديدة في العراق، أتيحت الفرصة لجميع الأعراق والقوميات والجماعات العراقية للمشاركة في المجالات السياسية والاقتصادية والاجتماعية والثقافية. تحاول هذه المقالة ضمن تحليل الخلفية التاريخية والهوية للاكراد الفيليين، تحليل وتقييم وضعهم الحالي في الساحة السياسية الاجتماعية للعراق، وتشير نتائجها الى انه وان كان الاكراد الفيليون يسعون ضمن محاولتهم لاستعادة هويتهم، ان يلعبوا كمواطنين في هذا البلد، دورا مؤثرا في التركيب السياسي الاجتماعي لوطنهم كسائر المجموعات والقوميات العراقية لكن ومع ذلك فان الحرمان المفروض عليهم اثناء حكم البعث لم ينتف بشكل كامل.

الاصطلاحات الاساسية: الاكراد الفيليون، الشيعة، الهوية الايرانية، حكومة البعث، العراق الجديد.